

## تبیین عقاید و ادعای فرقه منحرف "انصارالمهدی" منتسب به احمد الحسن یمانی

سعید شری پور<sup>۱</sup>، محمد انصاری دوگاهه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران

<sup>۲</sup> استاد گروه کلام شیعه دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران

### چکیده

ادعای مهدویت در طول دوره غیبت کبری با کمک دشمنان اسلام به منظور، تحریف و تخریب و ضربه زدن به مذهب شیعه بوده و هست. در حال حاضر، فردی بنام احمد اسماعیل معروف به «حسن الیمانی» این ادعا را دارد. او بیش از یک دهه در عراق فعالیت خود را آغاز کرده و پیروانی را به سوی خود جذب کرده است. هدف اصلی این پژوهش تبیین عقاید و ادعای فرقه منحرفه منتسب به احمد اسماعیل و رد ادعای او با تطبیق آن به روایات ائمه اطهار(ع) و بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه صاحب نظران حوزه دین است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به روایات معتبر ائمه معصومین(ع) درباره "یمانی موعود و واقعی" و نشانه‌های آن، احمد اسماعیل با ارائه ادله واهی و کذب نمی‌تواند حرفی برای گفتن و اثبات مدعایش در رابطه با یمانی واقعی داشته باشد. و در پشت این فرقه دستان پنهان دشمنان اسلام نهفته است. همچنین موسس این جریان نو ظهور در تبلیغ خود و معرفی گرایش جدید مهدویت خود دارای مغالطه‌های تاریخی از یکسو و عقاید کلامی از سوی دیگر شده است. در این مقاله سعی شده با روش توصیفی-تحلیلی-نقدی و با نگاه، رویکرد روائی به موضوع نگریسته شود و جوانب مختلف آن ایضاح گردید.

واژگان کلیدی: ظهور، موعود، احمد الحسن الیمانی، منجی، مهدویت، انصارالمهدی

## ۱- مقدمه

اعتقاد به مهدویت، ظهور و منجی آخرالزمان اعتقادی است، که در تمام ادیان الهی بوده است. این عقیده در اسلام و به ویژه در شیعه جزء اعتقادات حتمی الوقوع است. زمان وقوع این اتفاق عظیم علمش نزد خداوند است. خداوند برای هدایت مومنان قبل از ظهور قائم (عج) خبراز یک سری اتفاقات، فتنه‌ها و ظهور جریانهای دعوت کننده بسوی حق و جریانهای دعوت به گمراهی را داده است. امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید: «ان قدام المهدي علامات، تكون من الله عزوجل للمومنين» (شیخ صدوق، ۶۴۹) وجود این علائم به دو دلیل است: ۱- بیداری و هوشیاری مردم نسبت به اشخاص و جریانهایی که بخواهند امت را به گمراهی بکشند. ۲- بشارت به خروج اشخاص و جریانهایی که به راه حق دعوت می‌کند. که مردم باید به آنها روی بیاورند، و به آنها کمک کنند. لذا امت اسلامی به جهت این دو هدف مهم لازم است، که علائم و نشانه‌های قبل از ظهور را خوب مطالعه و بررسی نمایند، تا دچار انحراف فکری و عقیدتی نشوند. و بتوانند در زمان وقوع فتنه‌ها که امت اسلامی را تهدید می‌کند، بر آنها غلبه کنند. در عصر حاضر ما، هجمه‌های فراوانی بر ضد مذهب اهل بیت (ع) از طرف دشمنان شیعیان و اسلام صورت گرفته، و به روشی غیر از روشهای پیشین و آن از طریق گماشتن مزدورانی از خود شیعیان به منظور ایجاد تفرقه و اختلاف، به همین دلیل جریان‌هایی در بین شیعیان و منتسب به شیعه و اعتقادات آنها پا به عرصه ظهور می‌گذراند و عقاید منحرف و گمراه کننده را در بین شیعیان منتشر می‌کند. تا حقیقت را از این طریق کتمان و یا بی ارزش کند. هر کدام از این جریان‌های منحرف خود را به حق و الهی، به مردم معرفی می‌کنند. بعضی از مؤسسين این جریانها خود را امام، وصی یا سفیر امام مهدی (ع) در بین شیعیان معرفی می‌کنند. یکی از این جریان‌ها، جریان «انصارالمهدی» منتسب به احمد اسماعیل است. این گروه منحرف که بیش از یک دهه در جنوب عراق (بصره) فعالیت خود را آغاز کرده و در حال حاضر در بعضی کشورها و از جمله کشورمان به ویژه در خوزستان پیروانی به سوی خود جذب کرده‌اند. متأسفانه به دلیل تبلیغ گسترده و انتشار وسیع کتب و سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای، روز به روز به پیروانشان افزوده می‌شود. مؤسس این جریان یعنی احمد اسماعیل دارای اعتقادات خاصی است، وی برای اثبات ادعای خود از روش‌ها و ادله‌های خاصی بهره می‌برد. احمد اسماعیل ادعا می‌کند که او همان "یمانی موعود" است.

صاحب نظران حوزه مهدویت در این باره تحقیقات و پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند. کورانی (۱۴۳۳ق) در اثر پژوهشی خود به نام «دجال البصره» به نقد ادله و ادعای احمد اسماعیل پرداخته و نتیجه می‌گیرد، که این شخص، مزدور و دروغگویی بیش نیست. همچنین آیتی (۱۳۹۳ش) یکی دیگر از پژوهشگران و صاحب نظران این عرصه، در یکی از آثار پژوهشی خود با عنوان «از تبار دجال» به نقد جریان احمد اسماعیل و مسأله رجعت پرداخته و تعارض میان اعتقاد به رجعت و ادعای احمد اسماعیل را مورد واکاوی قرار داده است. او با دلایل نقلی معتبر به نقد ادعای احمد اسماعیل پرداخته، و مدعیات او را رد می‌کند. از دیگر اندیشمندان و پژوهشگران این عرصه، آل محسن (۱۴۳۴ق) نیز در اثر پژوهشی خود «الردالقاصم لدعوة المفتری علی الامام القائم» نزدیک به (۵۰) ادعا، از ادعاهای احمد اسماعیل را از کتب و آثار منسوب به او را استخراج نموده و مورد نقد علمی قرار داده و عدم حقانیت و دروغگویی این شخص را تبیین کرده است.

در این پژوهش برآنیم تا از طریق بررسی عقاید و ادعای احمد اسماعیل، بهره‌گیری از بحث و استنادهای روایی ائمه اطهار (ع) و تطبیق این روایات به بررسی و تبیین ویژگی‌ها، و نشانه‌های بعضی از ادعاهای او از قبیل «یمانی بودن»، «فرزند امام بودن» و «وصی بودن» پرداخته و تطبیق این ویژگی‌ها با اوصاف یمانی موعود و حقیقی را از طریق دلایل روایی و عقلی که در پژوهش‌های پیشین مورد کنکاش و بررسی قرار نگرفته است، بپردازیم. پژوهش حاضر از نوع کیفی، با راهبرد کتابخانه‌ای (فیش برداری از منابع) و با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - نقدی انجام شده است.

## ۲- احمد اسماعیل مدعی دروغین یمانی کیست؟

جریانی که تحت عنوان "احمدالحسن الیمانی" وصی و فرستاده امام زمان(عج) به راه افتاد در اواخرسالهای حاکمیت ظالمانه صدام حسین در عراق بروز کرد؛ پس از سقوط رژیم بعث و با کمک برخی از باقیمانده‌های آن رژیم تشکیلات وسیعی را در مناطقی همچون نجف، کربلا، ناصریه و بصره به راه انداختند.

مؤسس این جریان شخصی به نام احمد اسماعیل گاطع ازقبیله صیامدرحدود سال ۱۹۷۳ میلادی در منطقه‌ای بنام هویر از توابع زبیر از استان بصره متولد شد. وی درسال ۱۹۹۹ میلادی از دانشکده مهندسی بصره فارغ التحصیل شده و مدتی درحوزه شهید سید محمد صدر تلمذ نمود. احمد اسماعیل، شیعه اثنی عشری است. در بصره بزرگ شده، دارای انحراف فکری است. در حال حاضر خبری از او نیست. ضمناً بنا بر نقل موثق، برادر او از نیروهای بعثی بود. (آیتی، ۱۳۹۳، ص ۱۲)

هم اکنون فرقه منحرفه انصارالمهدی در حال تبلیغ و بیعت گرفتن از مردم با یمانی از طریق اینترنت و انواع مسنجرها در تمام نقاط جهان هستند. دعای احمد اسماعیل که او امام مفترض الطاعه، مهدی، قائم، وصی امام مهدی(ع)، نوه آن حضرت و در نهایت یمانی است. برای خود شهرتی به هم زده، و در گوشه و کنار، عده‌ای را فریفته و با خود همراه کرده‌است. وی برای اثبات ادعاهای خود به پاره ای از روایات تمسک جسته است.

شیخ علی کورانی درمقدمه‌ی کتاب «دجال البصره» ازقول حاج "داخل عبدالزهره سلمی" می‌نویسد: که این دجالی که خود را احمد الحسن نامیده است. نامش احمد فرزند اسماعیل از عشیره‌ی بوسویلیم و از عشایر صیامراست. پدرش شغل دلاکی داشته است. پدر احمد جز او، دو پسر و یک دخترهم داشته است. خود احمد اسماعیل رشته مهندسی معماری از دانشگاه بصره خوانده است و در نجف هم تحصیلات مذهبی داشته است. وی سفر به خارج از کشور داشته است. به مغرب عربی رفته و در برگشت از سفر، خود را "احمد الیمانی" نامید.

احمد اسماعیل، ضیاء قرع‌اوی و حیدر مشنت، گروهی بودند، که عقاید ادعایی داشتند. و احمد اسماعیل پس از پیوستن به این دو به حوزه نجف می‌رود. وضمن آشنایی با این دو، ادعای خود را بروز دادند. و برای پیوستن به گروه از مردم دعوت و بیعت می‌گرفتند. درآغاز معلوم نبود، که حیدر مشنت یمانی است، یا احمد. ولی روی این مسئله که یمانی حوزه‌ی فعالیتش یمن است، و از یمن آغاز می‌کند، باور داشت. پس از چندی اتفاق براین شد، که احمد رسول مهدی موعود است، و حیدر شاهد اوست. و این موضوع را علنی کردند و انجام دادند.

پس از چندی بین حیدر و احمد بر سراین مسئله که کدامشان یمانی است، اختلاف افتاد. و هرکدام همدیگر را لعنت می‌گفتند، و به خیانت متهم می‌کردند. پس از این جریان بود، که احمد خود را سید و فرزند امام مهدی(عج) نامید. و لقب شیخ را کنار گذاشت و نام "سیداحمد الحسن" را برخویش برگزید. (تلخیص ترجمه‌ی صص ۲۳- ۳۴ «دجال البصره»)

## ۳- بررسی ادعای یمانی بودن احمد اسماعیل

در تاریخ اسلام افراد و جریان‌هایی با انگیزه‌های مختلف ادعای یمانیت یا وصایت امام عصر(عج) را در بلاد اسلامی داشتند. ظهور مدعیان یمانیت در طول تاریخ، و مقبول افتادن دعوی آنان در نزد بسیاری از مسلمانان، اصالت یمانی را می‌نمایاند. در عصر حاضر، شخصی به نام احمد اسماعیل گاطع، خود را یمانی موعود و فرزند امام زمان(مهدی اول)، معرفی کرده است.

احمد اسماعیل و پیروانش مدعی هستند، که صفات جسمانی مهدی اول یا یمانی که در روایات ذکر شده، تماماً منطبق با وی است. احمد اسماعیل در «کتاب متشابهات» منسوب به خودش گفته: یمانی اسمش احمد و از بصره است. و در گونه‌ی سمت راستش علامت و اثری است، و سرش شوره دارد. و در آغاز ظهورش جوان است. احمد اسماعیل برای اثبات این ادعا دلایلی منطقی ارائه نداد. برای آشکار کردن حقیقت لازم است که نشانه‌های یمانی واقعی را بررسی و تبیین کنیم. و این نشانه‌ها را با احمد اسماعیل(مدعی یمانی) تطبیق نمایم. تا از این طریق، حقیقت را برای پیروان گمراه شده این گروه آشکار سازیم.

## ۳-۱- یمانی موعود کیست؟

برخی روایات به وقوع نهضتی اسلامی در آخرالزمان در یمن و قبل از ظهور امام مهدی (عج) اشاره می‌کنند. روایات این را بیان می‌کنند که، قیام و نهضت یمانی، قیام نظامی، مسلحانه و جهادی است. و حرکتی در جهت نصرت امام مهدی (ع) است. پیامبر (ص) در ضمن مدح گروه یمن در این باره فرمودند: «**قَوْمٌ رَقِيقَةٌ قُلُوبُهُمْ رَاسِخٌ اِيْمَانُهُمْ وَ مِنْهُمْ الْمَنْصُورُ يَخْرُجُ فِي سَبْعِينَ الْفَا يَنْصُرُ خَلْفِي وَ خَلْفَ وَصِيِّي؛...**» اهل یمن قلب‌هایی رقیق و ایمان‌هایی استوار دارند. منصور که با هفتاد هزار نفر قیام می‌کند. و جانشین من و جانشین وصی مرا یاری می‌دهد، از آن‌هاست. (نعمانی، 1397ق:، ص ۴۶) این حدیث نقش الهی و بحق جریان و نهضت یمانی موعود در عصر ظهور را به روشنی برای ما مشخص می‌کند. در نشانه‌های ظهور، ویژگی‌هایی درباره شخصیت رهبر قیام یمانی بیان شده است. در احادیث معصومین نام یمانی ذکر نشده، تنها سرنخی که داریم پیشگویی سطحی کاهن برای ذی یزن-پادشاه یمن-است. که در شمار نشانه‌های ظهور می‌گوید: «سپس نام‌آوری از یمن، از صنعا و عدن پدیدار شود، که چون پنبه سفید باشد. نامش "حسن" یا "حسین" است. با خروج او فتنه‌ها درهم شکند. آن‌گاه مهدی آن فرخنده مبارک، آن هادی هدایت‌گر، آن سید علوی ظاهر می‌شود. همگان از این عنایت الهی خشنود شوند، با نور او تاریکی رخت بریندد.» (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۹)

بیشتر روایات نام رهبر نهضت جهادی و مسلحانه یمانی را "منصور" می‌نامند. در بعضی روایات نیز نام وی را "حسن" یا "حسین" و از نسل زید بن علی (ع) از ذریه امام حسین (ع) یاد می‌کنند. روایاتی نیز هست، که یمانی را از بنی هاشم معرفی می‌کند:

• از عبدالله بن عباس: «**مِنَّا قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِي أُكْرِمَ اللَّهُ بِهِ نَبِيَّهُ وَ مِنَّا الْمَنْصُورُ**» (مجلسی، 1403ق: ۴۸/۳۷)

• امام صادق (ع) نیز در معرفی یمانی می‌فرماید: «مردی از فرزند عموم "زید" در یمن قیام می‌کند.» (همان، ۱۴۰۳ق: ۶۲/۸۳)

از یمانی، با لقب‌ها و واژه‌هایی چون «یمانی»، «قحطانی»، «الخلیفه الیمانی»، «المنصور الکندی» و «المنصور الیمانی»، در احادیث، یاد شده است. انتساب رهبر نهضت یمانی به این عناوین این مطلب را روشن می‌سازد، که نقطه آغاز و ظهور انقلاب یمانی، سرزمین یمن می‌باشد.

۳-۲- محل خروج یمانی موعود در احادیث فروانی تصریح شده که یمانی از یمن خروج می‌کند. فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق (ع) در ضمن یک حدیث بسیار طولانی روایت کرده می‌فرماید: «**وَ خُرُوجُ السُّفْيَانِي مِنَ الشَّامِ، وَالْإِيْمَانِي مِنَ الْيَمَنِ؛ ...**» سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج می‌کند. (شیخ صدوق، ۱۳۹۱ ش: ۵۹۸/۱)

نعیم بن حماد نیز با سلسله اسناد خود در ضمن یک حدیث طولانی از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: «**ثُمَّ يَصِيرُ اِلَيْهِمْ مَنصُورِ الْيَمَانِيُّ مِنْ صَنْعَاءَ بِجُنُودِهِ، وَ لَهُ قَوْرَةٌ شَدِيدَةٌ؛**» سپس یمانی پیروز، با لشکریانش از صنعا با یک جنب و جوش خاصی به سوی آنها حرکت می‌کند. (بن حماد، ص ۲۳۱، ح ۸۵۵)

در خصوص موقعیت جغرافیایی قیام یمانی، به شهرهایی هم‌چون: صنعا، عدن، کنده و منطقه ابین اشاره شده است؛ البته روایات صنعا مستفیض بوده، از طریق شیعه و سنی نقل شده است. (فتیلاوی، ۱۴۲۰ ق: ص ۱۰۱)

پس خروج یمانی در یمن است، نه عراق و قیام او فردی نیست. بلکه قیام جمعی داشته و دارای لشکر مسلحی است، که در مقابل سفیانی قرار می‌گیرد، این سید در یمن، مردم را به حق و حقیقت دعوت خواهد کرد. برخی روایات تاریخ آغاز انقلاب را هم‌زمان با خروج سفیانی و برخی دیگر با سند صحیح خروج یمانی را همراه با ظهور امام مهدی (ع) می‌دانند.

**۴- نشانه‌های یمانی موعود (واقعی)**

به منظور شناخت یمانی موعود، از مدعیان دروغین و نقد و ابطال ادعای احمد اسماعیل، ضروری است، که به بررسی و تبیین نشانه‌های یمانی موعود بپردازیم.

**۴-۱- قیام یمانی از نشانه‌های حتمی ظهور**

امام صادق (ع) درسخنی به حتمی بودن قیام یمانی قبل از ظهور امام مهدی (عج) اشاره کرده و فرموده است: «قبل از قیام قائم، وقوع پنج علامت حتمی است: خروج یمانی، سفیانی، صیحه آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و فرورفتن دربیداء.» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق، ۳۶۸/۲)

**۴-۲- هم‌زمانی قیام یمانی با سفیانی و خراسانی**

در حدیثی از امام رضا (ع) به حرکت یمانی و هم‌زمانی با شورش سفیانی و خراسانی اشاره شده و در این باره می‌فرماید: «خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز و ترتیب آن‌ها همچون رشته‌ی مهره‌ها پشت سرهم خواهد بود» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۳۲/۵۲)

نکته قابل توجه روایت مذکور اینست، که علائم حتمی الوقوع این روایت، وقوعشان پشت سرهم، دنبال هم و هم‌زمان بودن است. بطوریکه یک علامت مقدمه و عامل مستقیم در تحقق علامت دیگر است. و به این دلیل است که اهل بیت (ع) این گونه علائم را به دانه تسبیح تشبیه کردند. و این کنایه‌ای از اتصال و ارتباط آنها به یکدیگر می‌باشد. (فتیلاوی، ۱۴۲۰ ق: ۲۹)

**۴-۳- هدایت بخش‌ترین پرچم‌ها**

امام باقر (ع) فرمودند: «لَيْسَ فِي الرَّأْيَاتِ رَأْيَةٌ أَهْدَى مِنْ رَأْيَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَأْيَةٌ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِ كَيْفٍ.» (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ص ۳۶۱) در میان پرچم‌ها پرچمی هدایت یافته تراز، پرچم یمانی نیست. او پرچم هدایت است. زیرا به سوی صاحب شما دعوت می‌کند. در خصوص پرچم نهضت یمانی روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «در میان درفش‌ها (پرچم‌ها)، هدایت گرت‌تر از درفش یمانی وجود ندارد. چون درفشش حق است. و شما را به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ص ۴۴۶) این ویژگی نیز منطبق بر احمد اسماعیل نیست، چرا که او مردم را به سوی خود دعوت می‌کند. و برای خوداز مردم بیعت می‌گیرد. همچنین دعوتش به سوی گمراهی است. و با مخالفت وسیع علماء، روشنفکران و مردم روبرو شد. پس با این اوصاف او نمی‌تواند، مصداق این روایت باشد.

**۴-۴- عدم پیروی از او جایز نیست**

امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «وقتی یمانی قیام می‌کند، فروش اسلحه به مردم حرام است. پس به سوی او بشتابید که درفش او درفش هدایت است. برهیچ مسلمانی سربپیچی از او جایز نیست. و اگر کسی چنین کند، اهل آتش است؛ زیرا او مردم را به حق دعوت می‌کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۳۲/۵۲)

**۴-۵- پیرو امام علی (ع)**

روایات، یمانی را پیرو حضرت علی (ع) معرفی کرده‌اند. او پیرو مذهب اهل بیت (ع) و تابع آیین حق و مسلمان شیعه می‌باشد. در روایتی آمده است: چون «طالب حق» خروج کرد، به امام صادق (ع) گفته شد: آیا امیدوارید این شخص یمانی باشد؟ حضرت فرمود: «خیر، یمانی پیرو علی است، درحالی که این شخص از آن حضرت بیزاری می‌جوید.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۵/۵۲)

**۵- نقد ادعای سفیانی بودن داعش**

یکی از اشکالاتی که به احمد اسماعیل وارد می‌شود. این که اگر شما، همان یمانی یادشده در روایات هستید، در روایت آمده است که یمانی با سفیانی در یک روز و یک ساعت خروج می‌کنند. و یمانی به مقابله با سفیانی می‌رود؟ پس سفیانی کجاست؟ و

چرا احمد اسماعیل به مقابله با آن نمی‌پردازد؟ احمد اسماعیل و پیروانش پاسخ می‌دهند. که سفیانی یک فرد خاص نیست، بلکه سفیانی یک جریان است، و سفیانی همان داعش است. اگر مقصود داعش است که با آن در سال ظهور اختلاف دارند، و باز هم بر فرض محال قبول کنیم که داعش همان سفیانی است، که می‌گویند، پس چرا به مقابله با آن نمی‌روند؟ زیرا جنگ با سفیانی از وظایف یمانی است. که در روایات مشخص شده است. اعتقاد به اینکه سفیانی یک جریان است، و او همان داعش است، تحلیل صحیحی نیست. چنین تحلیل‌هایی هرچند که با واقعیات خارجی تا اندازه‌ای تشابه و تطابق دارند؛ اما چون در روایات تصریح شده که سفیانی، شخص خاص و دارای اوصاف خاصی است. پس داعش همانطور که احمد اسماعیل و انصارش ادعا دارند نمی‌تواند سفیانی باشد.

### ۵-۱- سفیانی کیست؟

یکی از مهمترین علائم ظهور، خروج سفیانی است؛ از امام علی (ع) نقل شده که سفیانی اسمش عثمان و پدرش عنبسه و از تبار ابو سفیان است. (شیخ صدوق، ۱۳۹۱ ش : ۵۵۷/۲) از امام باقر (ع) درباره صفات ظاهری سفیانی آمده است: «السُّفْيَانِيُّ أَحْمَرُ أَشَقْرُ أَرْزَقُ لَمْ يَعْْبُدِ اللَّهَ قَطُّ...» سفیانی سرخ رو، زاغ چشم است و هرگز خدا را پرستش نکرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق : ۲۵۴/۵۲)

از برخی روایات استفاده می‌شود که وی مسیحی یادست نشانده مسیحی است. و از شهرهای روم خروج می‌کند. و درگردن او صلیبی قرار دارد. و همچنین در روایت دیگر نیز بیان می‌کنند، که وی مسلمان منحرف شده‌ای است، که کینه و عداوت خاصی با امام علی (ع) و شیعیانش دارد. (طوسی، ۱۴۱۱ ق : ص ۲۷۸)

روایت معتبر خروج سفیانی را ۵ رجب مطرح کردند. آغاز خروج سفیانی تا پایان حکومتش ۱۵ ماه می‌باشد؛ که ۶ ماه از آن در جنگ و خونریزی بسر می‌برد، و شهرهایی چون: دمشق، حمص، فلسطین، اردن و حلب را تصرف می‌کند؛ و ۹ ماه در این مناطق حکومت می‌کند. (نعمانی، ۱۳۹۷ ق : ص ۳۰۴) در روایات آمده است، که خروج سفیانی با پرچم‌های سرخ از سمت روم خواهد بود و امیر و فرمانده لشکرش مردی از قبیله کلب است. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ق : ۲۷۲/۵۲)

### ۵-۲- داعش نمی‌تواند سفیانی موعود باشد به دلایل ذیل

- اختلاف در رنگ پرچم سفیانی و داعش. پرچم سفیانی سرخ رنگ است، درحالی‌که پرچم داعش، سیاه است.
- محل خروج سفیانی وادی یابس است، درحالی که محل داعش در شمال سوریه و عراق است.
- بر اساس روایات اسلامی، سفیانی شخصی خاصی است، درحالی که داعش جریان است. سفیانی شخص محور است در حالی‌که داعش، بیشتر جریان محور است.
- نسب سفیانی از نسل ابوسفیان و یزید بن معاویه است، اما در مورد رهبر داعش چنین چیزی را نمی‌توان بررسی نمود.
- در روایات قدرت سپاه سفیانی بسیار هولناک ذکر شده است، تا جایی که به سرعت شام و عراق را می‌گیرد، درحالی که داعش از چنین قدرتی برخوردار نیست و هنوز نتوانسته است، بر کل منطقه سوریه مسلط شود.
- سفیانی بیش از ۱۵ ماه حکومت نمی‌کند. در صورتی که داعش بیش از ۱۵ ماه تشکیل شده است. و چندسال است که در سوریه در حال جنگ است. و هنوز نتوانسته است بر کل منطقه سوریه تسلط پیدا کند.
- امیر المؤمنین (ع) فرمود: «يَخْرُجُ بِالشَّامِ فَيَنْقَادُ لَهُ أَهْلُ الشَّامِ» (نعمانی، ۱۳۹۷ ق : ص ۳۰۵) سفیانی شورش می‌کند، و اهل شام از او پیروی می‌کنند، درحالی که روشن است مردم سوریه به طور کامل، داعش را حمایت نکردند.
- طبق روایات، سفیانی پس از سرکوب مخالفانش در شام، هدفی جز حمله به عراق ندارد، از این رو، با سپاهی بزرگ به سمت عراق رهسپار می‌شود، اما در میانه راه، در منطقه‌ای به نام قرقیسیا (شهری در سوریه در محل اتصال رودخابور و فرات) جنگی هولناک درمی‌گیرد؛ آنگاه سپاه سفیانی پس از پیروزی در نبرد قرقیسیا به صورت هم‌زمان با دو سپاه مختلف به مدینه و عراق یورش خواهد برد. درحالی که داعش، در میان حمله به عراق، چنین نبردی را انجام نداد.

- اگر داعش، سفیانی است، پس باید خراسانی و یمانی نیز خروج کرده باشند، درحالیکه هنوز چنین مسأله‌ایی رخ نداده است.
- اگر داعش، همان سفیانی است، باید طبق روایات، علاوه بر حمله به عراق، لشکری را نیز به سمت کشور عربستان و شهر مدینه و مکه، فرستاده باشد، درحالیکه همگان می دانند، چنین اتفاقی نیفتاد.

### ۶- نقد ادعای یمانی بودن احمد اسماعیل از دیدگاه روایات

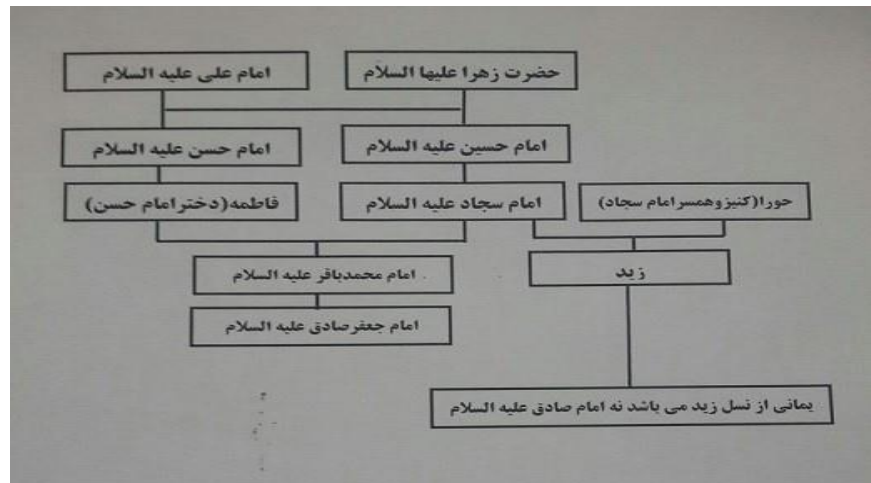
- در هیچ روایتی نیامده که اسم یمانی، احمد و از اهل بصره است.
- هیچ سند و شهادتی دال بر اینکه این اوصاف منطبق بر احمد اسماعیل است، وجود ندارد.
- هیچ یک از روایات بیان نکرده، که یمانی موعود همان مهدی اول است. بلکه تصریح می کنند که یمانی و مهدی اول دو شخص هستند.

برای نقد ادعای یمانی بودن احمد اسماعیل و رد آن از دلایل روایی تمسک می کنیم. و از بهم پیوستن این روایات، ادعای واهی این شخص را نقد می کنیم: امام صادق (ع) در باب معرفی یمانی می فرماید: «خروج رجل من ولد عمی زید باليمن» مردی از فرزند عمویم زید در یمن قیام می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۲/۸۳)

آنچه در این روایت روشن است: اولاً یمانی، از نوادگان زید بن علی بن الحسین (ع) است. ثانیاً یمانی شخصی است یمنی و از یمن خروج می کند. برای تبیین این روایت و نقد ادعای احمد اسماعیل ابتدا شجره زید را بررسی می کنیم: حضرت امام سجاد (ع) همسران متعددی داشت، که بیشتر آنها «ام ولد» (کنیز) بودند. یکی از همسران امام، حضرت فاطمه، ام عبدالله، دختر امام حسن (ع) بود. که ثمره ازدواج امام با او حضرت امام محمدباقر (ع) بود. همسر دیگر امام، کنیزی بود. به نام «حوراء» که مختار بن ابی عبیده ثقفی او را به ششصد دینار خرید و به امام هدیه داد. حوراء مادر زید بن علی (ع) بود. (همان، ۱۴۰۳ق: ۴۶/۱۵۵)

با این توضیح روشن می شود که پدر زید، امام سجاد (ع) و مادرش حورا می باشد؛ نه فاطمه دختر امام حسن (ع)، و شجره وی بشرح زیر ترسیم شده است.

### جدول شماره ۱ شجره یمانی موعود



با توجه به مستندات شجره نامه و روایات، یمانی موعود و واقعی از نسل عموی امام صادق (ع)، فرزند زید می باشد؛ درحالی که ادعای احمد اسماعیل بر این است که او همان یمانی موعود است. که این ادعا با احادیث و روایات فوق ناسازگار است. با بررسی و تبیین نشانه‌های یمانی موعود و تطبیق آن با شخص مدعی یمانیت (احمد اسماعیل) نتیجه می گیریم که ادعای این شخص واهی بوده و بنا بر دلایلی نمی تواند، همان یمانی موعود باشد.

### ۷-۱- چرا احمد اسماعیل یمانی موعود نیست؟

آیا احمد اسماعیل همان یمانی یاد شده در روایات است؟ با توجه به روایات صحیح معصومین (ع) بطور قطع این شخص مصداق یمانی موعود نمی تواند باشد. به این دلایل که:

- هیچ کدام از نام هایی که در روایات برای یمانی موعود ذکر شده، مطابق با احمد اسماعیل نیست.
- یمانی موعود از یمن خروج می کند؛ در صورتیکه احمد اسماعیل اهل بصره و از همانجا دعوتش را آغاز کرد.
- طبق روایات، یمانی موعود از نسل زید بن علی الحسین است. در صورتیکه احمد اسماعیل از نسل و سلاله زید نیست.
- یمانی موعود همزمان با سفیانی و خراسانی خروج می کند. در صورتیکه در زمان خروج و آغاز دعوت احمد اسماعیل خبری از سفیانی و خراسانی نیست.
- طبق روایات صحیح، یمانی موعود علیه سفیانی می جنگد؛ و به یاری امام قیام می کند؛ در صورتیکه احمد اسماعیل علیه حوزه و علماء تبلیغ سوء می کند. و قیام و حرکتی ضد داعش از آن مشاهده نشد.
- یمانی موعود دارای پرچمی معلوم و مشخص که از همه پرچم های (دعوتش) آشکارتر است؛ و مردم به سویش می آیند، در صورتیکه احمد اسماعیل فاقد این وصف است. چرا که او با تحریف روایات و نشر اکاذیب و تطمیع مبلغان و مزدوران خود، مردم را بطرف خود جذب می کند.
- هیچ کدام از روایات بیان نمی کند، که یمانی در عصر غیبت کبری با امام در ارتباط بوده و سفیر امام است. ولی احمد اسماعیل چنین ادعایی می کند.
- طبق این روایت کسی که قبل از ظهور امام مهدی (ع) دعای سفارت امام کند، را دروغگوست؛: «... وَ سَيَأْتِي شَيْعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٌ...» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۲/ ۵۱۶) پس باتوجه به توثیق امام زمان (ع) به علی بن محمد سمری ادعای یمانی بودن احمد اسماعیل و سفیر بودن او بعنوان زمینه ساز ظهور باطل است.

### ۸- ادعای احمد اسماعیل مبنی بر اینکه او از نوادگان امام مهدی (ع)

احمد اسماعیل ادعا می کند، که او از نسل و ذریه امام مهدی (ع) و از نوادگان او می باشد. او شجره نامه خود را چنین معرفی می نماید: «سید احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب» می باشد. احمد اسماعیل مدعی است، که او از اینکه فرزند امام مهدی (عج) است بی خبر و بی اطلاع بوده، و نمی دانست، که او از نسل امام مهدی (عج) است؛ تا اینکه در ملاقاتی که با امام داشته این موضوع برایش آشکار گردید. وی در توضیح و اثبات انتساب خود به امام عصر (عج) می گوید: نسب فرد از سه طریق ثابت می شود. یا از طریق اسناد قطعی یا علماء انساب و یا افرادی که راستگویند. و چون دو طریق اول درباره صحت نسب وی کارگشا نیست، طبعاً باید به قول افرادی که راستگویند، استناد کرد. و بعد از این ادعا اشخاصی پیدا شدند؛ و سند و شجره نسبی احمد اسماعیل را گواهی و ممهور کردند. این افراد عبارتند از: «عیدان خزاوی آل ماضی، شیاع اسماعیل آل فیصل، السید صالح عزیز الصافی، و السید حسن الحمّامی.» (سلمان، ۱۴۳۳ق، / ۱۳)

### ۸-۱- نقد و بررسی این مدعی

همه نسب شناسان معروف بر این باورند، که چون هیچ سندی مبنی بر اینکه امام زمان فرزندی داشته، وجود ندارد؛ پس نمی توان گفت، که چه کسی نسبش به امام مهدی (عج) می رسد. و این دو احتمال دارد: ۱- امام فرزندی ندارد؛ ۲- اینکه چون امام غائب است؛ و تمام احوال و زندگی ایشان از جمله فرزندان، اهل و عیال اگر باشد بصورت سری و خفاء است؛ پس با این شرایط نمی توان ذریه ی شخصی را به امام نسبت داد. چگونه ممکن است فردی که در سال ۲۰۰۹ میلادی زندگی کند، گواهی دهد، که



جد پنجم احمد اسماعیل همان امام الزمان است. در حالی که هیچ نسب شناسی نمی داند، که چه کسی نسبش به امام مهدی (ع) می رسد. جالب اینکه گواهی دهندگان اینطور استدلال می کنند، که چون نسب احمد اسماعیل به قبیله بنی سالم بر نمی گردد، و نسبش به قبیله اش منقطع است. پس او منتسب به امام است. این استدلال باطل است؛ زیرا هر کس که نسبش را نمی داند؛ و یا فاقد نسب باشد، می تواند بدون آوردن دلیل، ادعای فرزندی امام را بکند. برخی از افراد قبیله احمد اسماعیل، ادعای نامعلوم بودن نسب وی را رد کرده اند. (سلمان، ۱۴۳۳ق، ۱۴/)

در خصوص شجره نامه احمد اسماعیل به کتاب «ضربات حیدریه» صفحه ۳۳ استفاده نموده، مطلب زیر را نقل می کنیم:

«احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن داوود بن همبوش (روستای همبوش به نام این شخص است) بن محمد بن روضان بن برهان بن عطاءالله بن ابو السود بن علی بن علیان (این فرد نزد پیران عراق معروف است) بن عباده بن حمد بن محمد بن عبدالرحمن بن عبدالعزیز بن حسن بن عباس بن یوسف بن احمد بن حامد بن حمدان بن شعیب بن سلامه بن مسلم بن سالم بن سویلم بن سلیمان بن سلمی بن سالم بن منصور بن عکرمه بن خصفه بن قیس عیلان بن سلمه بن مضر بن معد بن نزار بن عدنان.»

پیروان احمد اسماعیل سعی کردند، با تمسک به بعضی روایات ضعیف و گاهی تحریف روایات استناد کنند، که امام مهدی (ع) فرزندی دارد؛ و احمد اسماعیل مهدی اول و فرزند امام است. از قبیل این روایت: از امیرالمومنین (ع) نقل است که فرمود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا وَفَاتُهُ لِعَلِيٍّ (ع) يَا أَبَا الْحَسَنِ أَحْضِرْ صَحِيفَةً وَ دَوَاهُ فَأَمْلَأُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَصِيَّتَهُ حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَيَّ هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا سَمَّاكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سَمَائِهِ عَلِيًّا الْمُرْتَضَى وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصِّدِّيقَ الْأَكْبَرَ وَ الْفَارُوقَ الْأَعْظَمَ وَ الْمَأْمُونِ وَ الْمَهْدِيَّ فَلَا تَصِحُّ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ لِأَحَدٍ غَيْرِكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي عَلَى أَهْلِ بَيْتِي حَيْثُ هُمْ وَ مِيَّتِهِمْ وَ عَلَى نِسَائِي فَمَنْ تَبَتَّهَا لِقِيَّتِي غَدًا وَ مَنْ طَلَّقَتْهَا فَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهَا لَمْ تَرْنِي وَ لَمْ أَرْهَا فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ وَ أَنْتَ حَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَإِذَا حَضَرَتْكَ الْوَفَاءُ فَاسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي الْحَسَنَ الْبِرَّ الْوُضُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الرَّكِيِّ الْمُقْتُولِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ عَلِيٍّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي جَعْفَرِ الصَّادِقِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي مُوسَى الْكَاطِمِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي عَلِيِّ الرِّضَا فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي مُحَمَّدِ الثَّقَفِيِّ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي عَلِيِّ النَّاصِحِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي الْحَسَنِ الْفَاضِلِ فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي مُحَمَّدِ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ع) فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا (فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ) فَلْيَسْلَمْهَا إِلَيَّ ابْنِي أَوَّلِ الْمُقْرَبِينَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ اسْمٌ كَاسْمِي وَ اسْمٌ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْاسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ. (شيخ طوسي، ۱۴۱۱ق : ص ۱۵۱)

حال باید پرسید که ربط این روایات با منتسب بودن احمد اسماعیل به امام چیست؟ اگر روایات درست هم باشد. این ثابت نمی کند، که احمد اسماعیل از نسل امام مهدی (ع) است؛ همچنین این روایات ثابت نمی کند، که فرزندان امام چه کسانی هستند. یا چه اوصاف و ویژگی هایی دارند. همچنین مشخص نمی کند که امام در زمان غیبت دارای ذریه بوده است. بلکه ثابت می کند، که امام ذریه دارد، و مشخص نمی کند که این ذریه در چه زمانی بوده آیا در زمان غیبت، یا در زمان بعد از غیبت؟ اگر بفرض مثال بپذیریم که امام در زمان غیبت دارای فرزندان است، هیچ دلیلی وجود ندارد، که احمد اسماعیل از نسل و فرزندان امام مهدی (ع) می باشد. احمد اسماعیل به دلایل زیر نمی تواند فرزند امام مهدی (ع) باشد:

- بنا بر گزارش پلیس عراق و تفحص از خانواده اش، وی سید نیست، و قبیله و نسبش مشخص است.
- کلمه "ابنه" در روایت وصیت ده بار تکرار شده، و در هر بار منظور فرزند بلاواسطه است. چه قرینه ای وجود دارد که - کلمه ابنه در مورد احمد اسماعیل و بعنوان فرزند با واسطه است.
- ضمیر (ه) در عبارت (له ثلاثه اسمی اسم کاسمی و اسم ابی...) به خود امام مهدی (عج) برمی گردد. زیرا احمد و عبدالله از نام های امام مهدی (ع) است. (سلمان، ۱۴۳۳ق، ۱۵۹/۱) موبد این نظر روایت: «عَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ

ذَكَرَ الْمَهْدِيَّ فَقَالَ: إِنَّهُ يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ أَحْمَدُ وَ عَبْدُ اللَّهِ وَ الْمَهْدِيُّ فَهَذِهِ أَسْمَاؤُهُ ثَلَاثَتُهُ» (طوسی، ۱۴۱۱ق/۴۵۴) همچنان: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهَ النَّاسَ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَصِلَ الْخَلْقُ عَنْ أَذْيَانِهِمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقَابِ، فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق/۱۲۰) طبق این روایت این ویژگی‌ها برای امام زمان (عج) است. وربطی به "اول المقربین" در «حدیث وصیت» ندارد.

اگر احمد اسماعیل بخواهد این ادعا (فرزند بودن امام) را برای مردم اثبات کند، ساده ترین راه این است. که در مقابل عموم مردم وارد قفس شیران درنده شود، اگر شیران او را خوردند، او بر مدعی خود کاذب است. و اگر شیرها او را نخوردند، او در ادعایش صادق است. زیرا امام هادی (ع) فرمود: گوشت فرزندان فاطمه (س) بردردگان حرام است. و متوکل برای اثبات و صحت این قول از امام خواست که در مقابل مردم وارد قفس شیران درنده شود، و صحت گفتار خود را ثابت کند. امام هادی (ع) همین کار را کرد، و حقیقت گفتار خود را جلوی دشمنان و دوستان خود ثابت کرد. (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق/۴۰۵)

## ۹- بررسی ادعای امامت احمد اسماعیل و پاسخ به آن

احمد اسماعیل مدعی است، که او وصی امام مهدی (عج) و امام سیزدهم می‌باشد. و دلیل امامتش را وصیتی می‌داند. که رسول خدا (ص) در آخرین لحظات عمرش داشته. به نظر احمد اسماعیل این وصیت برای مشخص کردن حق از باطل کافی است. این وصیت را دلیل حقانیت خود معرفی می‌کند. مهمترین روایتی که احمد اسماعیل و مروجین راه او به آن احتجاج می‌کنند، روایتی که شیخ طوسی در کتاب "الغیبه" خود آن را نقل کرده است. که ما قبلاً در مبحث ادعای فرزند بودن احمد اسماعیل به آن اشاره کردیم. احمد اسماعیل و پیروانش بشدت از این روایت جهت دفاع از مدعی خود و تبلیغ این مدعا، سوء استفاده می‌کنند. آنها چنین استدلال می‌کنند، که در این روایت نام احمد ذکر شده و احمد اسماعیل همان مصداق و مراد روایت است. (سلمان، ۱۴۳۳ق/۱۹۴) چنین استدلالی قطعاً باطل است. زیرا چه بسا فرد دیگری که احمد نام داشته باشد، نیز این ادعا را بکند. تنها استناد به نام احمد در روایت چیزی را ثابت نمی‌کند. اهل بیت (ع)، چگونه دلیل بودن وصیت و شرایط آن را برای ما مشخص کرده‌اند. ولی متأسفانه احمد اسماعیل و پیروانش از روشنگری این روایات چشم خود را بسته‌اند و از آن غافل ماندند. وصیتی که امام بحق به آن تمسک می‌جوید و بعنوان دلیل برای امامت خود از آن بهره می‌برد، عبارتست از: علم الهی (کتاب) که نزد امام است و تکلیف و وظیفه هر امام در آن مشخص شده است. و یا وصیتی که پیامبر به امام علی (ع) املاء کرده و امام با خط مبارکش آن را نوشت. وصیت دارای شرایطی است و مهمترین شرایط آن: آشکار بودن، مشهور بودن و مشخص و غیر مبهم بودن آن است. (سلمان، ۱۴۳۳ق/۱۹۴) هر امامی، امام بعدی را با این شرایط، برای مردم معین و مشخص می‌کند؛ تا مردم در آن به اختلاف نیفتند. چیزی واضح تر و رساتر از این تعبیر نیست، که صاحب وصیت باید نزد مردم مشخص، معروف و مشهور باشد. که اگر به شهری وارد شدی و از عامه مردم و حتی کودکان در مورد اینکه فلانی به چه کسی وصیت کرد، پس می‌گویند: به فلان بن فلان. پس شرط مهم وصیت آن است، که عامه مردم مصداق «موصی علیه» را بشناسند. (سلمان، ۱۴۳۳ق/۱۹۵) اکنون باید احمد اسماعیل و پیروانش به این سوالات پاسخ دهند: آیا روایتی که احمد اسماعیل به آن استناد می‌کند. چنین ویژگی و شرایطی را داراست؟ آیا عامه مردم و حتی کودکان مصداق و مراد روایت را احمد اسماعیل می‌دانند؟ آیا کسی دیگر نمی‌تواند ادعا کند که او مصداق همین روایت است؟ فکر نکنم این گروه پاسخ واقعیت پسند را بدهند. چون که این شخص از ابتدا دلیلی بر مدعی خود نداشت. تکیه به یک روایت آن هم ضعیف و استفاده ابزاری و تحریف واقعیت و تاویل آن به خودشان اشکال اساسی این گروه است. این شخص به جهت اغراض سیاسی، اقتصادی و کسب اعتبار اجتماعی از این روایات ضعیف برای رسیدن به اهداف مادی و دنیوی خود استفاده‌های ابزاری می‌کند. اساساً چه کسی گفته که اگر اسم شخصی در روایتی بیاید. مصداق آن روایت همان شخص است. لازم به ذکر است که، یکی از شرایط وصیت و امامت این است که امام قبلی به نام و مشخصات و با نص امام و وصی بعد از خود را بصورت علنی به مردم معرفی کند. همانطور که پیامبر (ص) بطور علنی امام

علی(ع) را درگذریم بعنوان وصی و امام بعد از خود برای مردم معرفی کرد. آیا امام مهدی(ع) علناً احمد اسماعیل را بعنوان وصی خود معرفی کرد؟ اگر وصیتی با این شرایط وجود دارد، احمد اسماعیل آن روایت و دلیل را برای مردم رو کند. و اگر چنین چیزی وجود دارد، چرا عامه مردم از آن بی خبرند؟ (سلمان، ۱۴۳۳ق، ۱۹۶)

#### ۹-۱- نقد استدلال احمد اسماعیل

روایاتی که احمد اسماعیل و مروجین راه او به آن استناد می‌کنند. دلالت بر این دارد، که این دوازده نفر پس از امام عصر است. نه پیش از آن. و حتی با فرض نادیده گرفتن اشکالات این روایات، هیچ دلیلی وجود ندارد، که احمد اسماعیل یکی از آنها است. ادعای احمد اسماعیل بی اساس و باطل است. زیرا نه در این روایات و نه در روایات دیگر، تصریح به امام سیزدهم نشده است. همچنین در این روایت به وضوح میان امام و مهدی فرق گذاشته شده است؛ و پیامبر(ص) می‌فرماید: پس از دوازده امام دوازده مهدی می‌آید؛ یعنی این دو باهم فرق دارند. جای بسی تعجب است، که احمد اسماعیل به این مسله هیچ توجه‌ای نکرده و وانمود می‌کند، که او ادامه دهنده امامان است؛ و امام سیزدهم است. در جوامع روایی ما، روایتی وجود ندارد، که به آمدن امام جدیدی پس از دوازده امام اشاره داشته باشد. بنابراین احتمال امتداد امامت با امام جدید که احمد اسماعیل مدعی آن است، هیچ سندی ندارد. و سخنی گزاف است. شیخ صدوق در کتاب "کمال الدین" روایتی را از امام صادق(ع) نقل می‌کند. که بعد از امام دوازدهم، دوازده مهدی می‌آید. و اشاره‌ای به امام نمی‌کند. امام صادق(ع) در این روایت صریح می‌فرماید: که آنان امام نیستند، بلکه شیعیانی هستند. که مردم را به سوی امامان فرا می‌خوانند.

#### ۹-۲- نقد روایت دوازده مهدی

- روایت وصیت به چند دلیل از نظر سند ضعیف است؛ اولاً علی بن سنان الموصلی العدل توثیق نشده و عامی مذهب است. (خویی، ۱۳۹۹ق: ۱۲/۴۶). ثانیاً علی بن الحسین هم شناخته شده نیست. ثالثاً مرحوم خویی درباره احمد بن محمد بن خلیل چنین می‌فرماید: «کذاب، وضاع للحديث، فاسد، ضعيف جداً، لا يلفت اليه» (همان، ۱۳۹۹ق: ۲/۲۲۴).
- در این روایت نبی اکرم(ص) اسم مهدی را مختص امام علی(ع) اعلان کرده که تنها کسی که این اسم براننده وی است، علی(ع) است و احدی حق ندارد، غیر از او این اسم را بر خود نهد! حال آنکه در ادامه روایت باز هم از همین اسم استفاده شده و سیزده مهدی دیگر نیز خلق می‌شوند! (سلمان، ۱۴۳۳ق، ۵۶)
- از نظر دلالت این حدیث ارتباطی با این زمان (احمد اسماعیل) ندارد. زیرا هنوز امام زمان(عج) ظهور نکرده است. و طبق این روایت مهدی اول (اول المقربین) بعد از وفات امام مهدی(عج) می‌آید.
- این روایت با روایتی زیر که احمد اسماعیل و پیروانش به آن تمسک کردند، متعارض است. شیخ صدوق در کتاب "کمال الدین" روایت کرده: «عن أبي بصير قال: قلت للصادق جعفر بن محمد: يا ابن رسول الله! إني سمعت من ابيك انه قال: «يكون بعد القائم اثنا عشر اماماً فقال: إنما قال: اثنا عشر مهدياً ولم يقل: اثنا عشر اماماً، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى مولاتنا ومعرفة حقنا» (شیخ صدوق، ۱۳۹۱ش: ۲/۴۰)

این حدیث با حدیث قبلی از نظر انتساب مهدیین متعارض دارد؛ زیرا حدیث شیخ صدوق بر این مسأله تأکید دارد، که آنها از شیعیانند. که ظاهر آن، این است که از خود اهل بیت و اولاد آنها نیستند؛ در حالی که حدیث کتاب "الغیبه" بر این معنا صراحت دارد، که اولین آنها فرزندان امام زمان است. در هر حال، این دو حدیث به این معنا دلالت می‌کنند، که این دوازده نفر پس از شهادت امام زمان (عج) خواهند آمد، نه قبل از آن و این با مدعیان زمان ما هیچ ارتباطی ندارد.

### ۹-۳- راه‌های صحیح برای شناخت امام و مدعیان امامت (سلمان، ۱۴۳۳ق، ۱۷۷/)

#### • امتحان و آزمایش مدعی امامت :

امتحان و آزمایش بهترین راه شناخت و اثبات امامت شخص مدعی است، از این طریق ما صدق یا کذب گفتار مدعی امامت را مشخص می‌کنیم. ائمه اطهار (ع) پیروان خود را به این روش، جهت شناخت امام بحق دعوت کردند. نعمانی در کتاب "الغیبه" خود از مفضل بن عمر روایت می‌کند، که مفضل بن عمر می‌گوید: «شنیدم که امام صادق (ع) می‌فرمود: همانا برای صاحب این امر دو غیبت است... عرض کردم: هنگامی که آن زمان بیاید ما چه کار کنیم؟ فرمود: اگر کسی ادعای او را کرد (که من همان موعود هستم) از او درباره‌ی آن مسائل بزرگی که فقط او می‌تواند. جوابش را بدهد، سوال کنید.» (نعمانی، ترجمه جابر ضوانی ۱۳۸۹، ش: ص ۲۹۱)

شیعیان برای اثبات امامت بعضی از ائمه (ع) به این روش متوسل شدند؛ مانند شناخت امامت، موسی کاظم (ع) که شیعیان بعد از وفات امام صادق (ع) به شک افتادند، که آیا امامت از آن عبدالله فرزند بزرگ امام یا کسی دیگر است؟ به همین دلیل هشام از طریق آزمون عبدالله و امام موسی کاظم (ع) برای او محرز گردید، که امامت از آن امام موسی کاظم (ع) است. پس یکی از دلایل و براهین اثبات امامت مدعی‌کننده، همنشینی او با علماء، مناظره و پاسخ دادن به سوالات آنان است. آیا احمد اسماعیل مدعی امامت و مهدویت از چنین قدرت علمی که جامع علوم زمان و اعلم آنها، را دارا است. احمد اسماعیل برای اثبات امامت خود به کتابهایی که تالیف کرده تمسک می‌کند، و آنها را دلیل اثبات مدعای خود می‌داند. در رد این ادعا باید گفت که راه اثبات علم امام انتشار کتب که مؤلفش برای عموم مشخص نیست، نمی‌تواند باشد. مدعی امامت باید هر آنچه مردم و اهل علم از او سوال کنند، بتواند جواب صحیح را به آنها بدهد، و اینطور نباشد که سوالات را برای مردم محدود کند، و یا به بعضی از سوالات جواب دهد، و حاضر به مناظره نباشد؛ چرا که امام، از همه مردم زمان خود داناتر و نسبت به همه علوم آگاهتر است. مرحوم "کلینی" از امام صادق (ع) روایت می‌کند. «انه قال: إن الله لا يجعل حجه فی أرضه یسال عن شیء فیقول: لأدری.» (ابن بابویه ۱۴۰۴ق: ۱۳۹)

اگر بخواهیم وصف این روایت را به احمد اسماعیل انطباق دهیم و او را بیازماییم. قادر به انجام این آزمایش نیستیم. زیرا او غایب و پنهان است، و امکان دسترسی به آن برای ما امکان پذیر نیست. حتی امکان صحبت تلفنی با این شخص وجود ندارد. پس چگونه بتوانیم در مورد مسائل مهم و بزرگ که جز او کسی قادر به پاسخ به آنها نیست بپرسیم. طبق روایات ملاقات و سوال مستقیم از امام و پاسخ صحیح امام به مردم، از شروط اثبات امامت و یا مدعی امامت می‌باشد.

#### • وجود علائم مختص ائمه اطهار (ع)

راه دیگر شناخت امام وجود بعضی علائم که مختص ائمه اطهار (ع) است، از طریق تطبیق این علائم با شخص مدعی می‌توان صدق یا کذب مدعای او را ثابت کرد. مرحوم کلینی روایتی در خصوص علائم امام از زراره نقل می‌کند که امام باقر می‌فرماید: «للإمام عشر علامات: یولد مطهراً، مختوناً، وإذا وقع علی الأرض وقع علی راحته رافعاً صوته بالشهادتین، لایجنب، وتنام عینه ولاینام قلبه، ولا یتئأب، ولایتمطی، ویری من خلفه کما یری من أمامه، ونجوه أی غائطه کرائحه المسک، والأرض موکله بستره وابتلاعه، وإذ البس درع رسول الله (ص) کانت علیه وفقاً، وإذا لبسه غیره من - طویلهم وقصیرهم زادت علیه شبراً، وهو محدث إلى أن تنقضی أيامه.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۸۸)

همچنین شیخ صدوق روایتی از امام رضا (ع) نقل می‌کند، که فرمودند: «للإمام علامات: یکون أعلم الناس، وأحکم الناس وأتقی الناس، و أحلم الناس، وأشجع الناس، وأسخی الناس، وأعبد الناس، ویولد مختوناً، ویکون مطهراً، ویری من خلفه کما یری من بین یدیه، ولا یکون له ظل، وإذا وقع إلى الأرض من بطن أمه وقع علی راحته، رافعاً صوته بالشهادتین، ولایحتلم، وتنام عینه

ولا ینام قلبه، ویکون مُحَدَّثًا، ویستوی علیه درع رسول الله ولا یرى له بول ولا غائط، لأن الله عزَّ وجل قد وکَّل، الأرض بابتلاع ما یرج منه، وتكون رائحته أطیب من رائحة المسک، ویکون أولی بالناس منهم بأنفسهم، وأشفق علیهم من آبائهم وأمہاتهم، و یرجون أشد الناس تواضعاً لله عزَّ وجل، و یرجون أخذ الناس بما یأمر به، وأکف الناس عما ینهی عنه، ویکون دعاؤه مستجاباً، حتی إنه لودعا علی صخرة لانشقت نصفین، ویکون عنده سلاح رسول الله وسیفه (ذو الفقار) وتكون عنده صحیفه فیها أسماء شیعتهم إلى یوم القیامة، و صحیفه فیها أسماء أعدائهم إلى یوم القیامة، وتكون عنده الجامعه، و هی صحیفه طولها سبعون ذراعاً، فیها جمیع ما یرتفع إلى الله...» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ق: ص ۱۰۲)

شیخ صدوق از ابی جارود روایت می کند، گفت: «سألت أبا جعفر الباقر (ع) بِمَ یَعْرِفُ الإِمَامَ؟ قال: بِخِصَالِهَا، أولها: نصَّ من الله تبارک وتعالی علیه، و نصبه علماً للناس حتی یرجون علیهم حجةً، لأن رسول الله (ص) نصب علیاً، و عرفه للناس علماً باسمه و عینه، و كذلك الأئمة (ع) لینصب الأول الثانی. (همان، ۱۴۰۳ ق: ص ۱۰۲)

این روایات به روشنی وصف امام و وصی او را مشخص و به مردم معرفی می کند. با بررسی و تطبیق این روایات با مدعی وصایت (احمد اسماعیل) نتیجه می گیریم. که این شخص فاقد، اوصاف و شرایط وصایت است. روایت زیر به خوبی ادعای مدعیان دروغین، را باطل می کند. در روایت آمده است. که گروهی از اصحاب امام صادق (ع) بر او وارد شدند. و او را خیلی غمگین یافتند؛ سپس علت ناراحتی و گریه او را پرسیدند، که امام پاسخ داد: همانا من صبح امروز کتاب جفر را مطالعه می کردم، و به تولد قائم ما و طولانی بودن غیبتش و طولانی بودن عمرش و گرفتاری و فتنه های مومنان در آن زمان و زیاد شدن شک و تردید، در دل های شیعیان در طول غیبت، و ارتداد شیعیان و خارج شدن آنها از دین خود تا اینکه مردم غیبت امام زمان را انکار کنند؛ سپس گروهی می گویند، که او به دنیا نیامده و کسی به دروغ می گوید، او به دنیا آمده و از دنیا رفته و گوینده ای، کفر می ورزد و می گوید، که یازدهمین امام عقیق است. و بالاخره گوینده ای پا فراتر می گذارد. و می گوید، که او امام سیزدهم است. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ص ۱۶۷)

در این روایت اوصافی بیان شد، که امروزه مصداق آن، احمد بن اسماعیل است. امام صادق (ع) بیش از ۱۳۰۰ سال قبل، خبر از ظهور شخص و اشخاصی با این اوصاف را می دهد. این روایت به صراحت و قاطعیت، ادعای احمد اسماعیل را باطل و همراه کننده می شمارد.

### ۹-۳- با توجه به روایات شرایط وصی یا امام، عبارتند از:

- امام قبلی "وصایت" او را به روشنی برای مردم اعلام کند، به طوری که همه مردم شهر او را بشناسند.
- وصی و امام دارای فضل و برتری بر تمام مردم باشد، به طوری که مردم نتوانند، بر او عیب گیرند.
- امام و وصی دارای سلاح پیامبر (ص) است.
- وصی و امام دارای علم لدنی و غیب است.
- وصی و امام قادر است، به هرزبانی تکلم کند. حتی زبان پرندگان و حیوانات را می فهمد.
- امام، دارای علم به حلال و حرام است.
- امام، اخبار آسمانها و زمین را می داند.
- امام، حجة خدا روی زمین است.

### ۹-۳- بررسی ویژگی و شرایط مهم امام و رد ادعای امامت احمد اسماعیل از این طریق

از بین ویژگی ها و شرایط امام، در این نوشتار به اختصار به بررسی و تطبیق دو سه مورد از این شرایط با مدعی امامت (احمد اسماعیل) پرداخته و بطلان ادعای او را بیان می کنیم.

● **علم:** که همان آگاهی از غیب، آگاهی از اخبار آسمان‌ها و زمین، آگاهی از آنچه فردا رخ می‌دهد، آگاهی به دانش کتاب الهی، علم به حرام و حلال الهی و علم به آنچه بندگان نیاز دارند. شیعیان در طول تاریخ با آزمون میزان علم مدعی امامت، او را محک می‌زدند. زیرا یکی از معیارهای امامت داشتن علم است. البته علمی که متصل به معارف و منبع و حیانی باشد. همه متکلمین اسلامی براین باور هستند، که امام باید از نظر علمی صلاحیت را داشته باشد؛ یعنی عالی - ترین مرتبه علم و آگاهی که همان علم لدنی و علم غیب است، را باید داشته باشد. تمام ائمه ما از این خصیصه بهره - مند بوده‌اند. علم آنها مدرسه ای نبوده بلکه به مبداء غیب وصل بوده و از طرف خداوند که علم علی اطلاق است به - آنها افزوده شده است. از دیگر ابعاد دانش امام، علم او به احکام شریعت و حرام و حلال الهی است. چنین دانشی از علائمی است، که به کمک آن می‌توان امام را شناسایی کرد. این مطلب که امام باید به حرام و حلال الهی، آگاهی کامل داشته باشد، نزد اصحاب ائمه (ع) مسلم بوده است.

● **عصمت:** یکی از ویژگی مهم امام، عصمت است. امام باید دارای صفات عالی اخلاقی باشد. برترین و با فضیلت‌ترین فرد از نظر اخلاق و معنویت و عمل امام است. دریک کلام امام از هرگونه اشتباه و گناه و خطا مصون است. آیا احمد اسماعیل این صلاحیت اخلاقی (عصمت) را دارا است؟ با تحقیقات و شواهد موجود ثابت گردید، که این فرد دروغ‌گویی بیش نیست. و تمام ادعاهای او واهی است؛ با تحریف روایات و نسبت دادن مصداق بعضی روایات به خود. و همچنین ترغیب پیروان خود به مخالفت با علماء و مراجع و ترور شخصیت مذهبی، دروغ‌ها و گمراه کردن مردم، صلاحیت اخلاقی اش را از دست داده، و ثابت کرد که او فاقد عصمت است.

● **علم به همه زبان‌ها:** یکی از اوصاف امام، دارای قدرت تکلم و فهم همه زبان‌ها می‌باشد. چه زبان انسانها و چه زبان پرندگان و حیوانات. زیرا یکی از مهمترین خصوصیات امام، حجة خدا بودن بر مردم است. و برای تحقق این امر لازم است، که امام زبان مردم زمان خود را بداند. تا بتواند معارف دین الهی را بخوبی به مردم معرفی کند. و مردم را هدایت کند. با بررسی روایات معلوم می‌شود. که امامان ما این خصیصه را داشته‌اند. و با مردم هر قومی با زبان خودشان صحبت می‌کردند. پس آشنایی و تکلم امام به تمام زبانها، خود یکی از ویژگی‌های خاص امام است. با بررسی روایات معصومین (ع) مشخص می‌شود. که لازمه حجة خدا بودن امام، داشتن علم و شناخت به زبان‌های زمانه است. با استناد به روایات زیر:

**الف):** در کتاب کافی شیخ کلینی جلد (۱) ص ۵۰۹ در ضمن روایت این عبارت مشاهده می‌شود. که خداوند به حجة و امام خود شناخت و علم به تمام زبان‌ها و رویدادها را داده است. و فرق حجة خدا را با غیر آن را در این امر می‌داند.

**ب):** در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) شیخ صدوق جلد (۱) ص ۲۵۱ آمده است. که امام رضا (ع) با مردم با زبانشان صحبت می‌کرد. در این روایت امام به ابی صلت الهروی می‌گوید: «که من حجت خدا به خلقش هستم و خداوند کسی را که به لغة و زبان‌های مردم آشنا نباشد، بعنوان حجة خود بر نمی‌گزیند.»

روایتی در کتاب "الخراج والخراج" جلد (۱) ص ۳۴۱-۳۴۸ قطب الدین راوندی، محمد بن فضل الهاشمی نقل می‌کند، هنگامی که امام رضا (ع) از بصره می‌گذشت، جمع زیادی از متکلمین و اصحاب مذاهب و دیگران را جمع کرد. و به آنها فرمود: شما را جمع کردم تا هر چه بخواهید، از آثار نبوت و علائم ائمه و چیزی که فقط نزد ما اهل بیت است را بدانید، سوال کنید. سپس عمر بن هذاب شروع کرد. و گفت: که محمد بن فضل الهاشمی در مورد شما چیزهایی می‌گوید که برای دلها قابل پذیرش نیست؛ امام فرمودند چه چیز هستند. گفت در مورد شما گفته شد، که با هر زبانی آشنایی داری. سپس امام فرمود: که محمد بن فضل الهاشمی راست گفت. سپس عمر بن هذاب به امام گفت قبل از هر چیز ما شما را در این جمع آزمایش می‌کنیم. به همین دلیل ما فرد هندی، رومی، فارسی و ترکی را حاضر کردیم. امام فرمود: هر آنچه بخواهند، سوال کنند. من پاسخ می‌دهم پس همه این افراد سوالات خود را پرسیدند. و امام پاسخ هر فرد را با زبان آنها با تمام فصاحت داد که همه حاضرا را متحیر کرد. ائمه بحق ما اینچنین هستند. آیا مدعی دروغین این ویژگی را دارد؟ با بررسی‌ها و شواهد موجود این شخص حتی به زبان قوم خود (عربی)

بطور کامل مسلط نیست. و در نوشته‌هایش، ضعف‌های، ادبی و نحوی را می‌توان مشاهده کرد؛ از پیروان این شخص می‌خواهیم که از امام خود بخواهند که به زبان اقوام مردم جهان صحبت کند. تا مدعی خود را اثبات کند.

#### ۱۰- نتیجه گیری

از خلال بحث و بررسی عقاید و ادعای احمد اسماعیل مدعی دروغین یمانی و جریان آن و با در نظر گرفتن روایات منقوله و معتبر درباره یمانی موعود و نشانه‌های آن قبل از ظهور مهدی (عج) و علاوه بر آن با تأسی و بهره‌گیری از پژوهش‌های ارزشمند و مفید صاحب نظران دینی در حوزه مهدویت، از جمله پژوهش‌های حجة الاسلام علی کورانی، شیخ آل محسن، محمد شهبازیان و نصرت الله آیتی و... به نتایج و دستاوردهای زیر دست می‌یابیم که:

- فتنه و جریان نو ظهور همچون فرقه "انصارالمهدی" منتسب به احمد اسماعیل و... در تبلیغ خود و معرفی گرایش جدید مهدویت خویش، دارای مغالطه‌های تاریخی و کلامی است.
- جریان یمانی موعود که احمد اسماعیل ادعای آن را می‌کند، با در نظر گرفتن روایات معتبر ائمه اطهار (ع) و آراء صاحب نظران دینی در این مبحث، رد می‌شود. و هیچ گونه مطابقت روایی-استنادی با یمانی موعود ندارد.
- ادعای احمد اسماعیل مبنی به فرزند بودن امام و وصی بودن، با استنادات روایی رد و ویژگی‌ها و نشانه‌هایی چون علم به همه زبان‌ها، عصمت و نشانه‌های دیگر با احمد اسماعیل مطابقت ندارد. بنابراین جوانان و افرادی که به این جریان گرویدند. و جذب آن شده‌اند، اغلب به علت عدم آگاهی و معرفت آنان از مسأله مهدویت می‌باشد.
- مهم ترین و کاربردی ترین نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد: این است که آسیب شناسی بحث اصل مهدویت و ارائه شناختی واقعی از آن به جوانان امروزی، می‌تواند، مانع گرایش آنان به جریان‌های نو ظهور «فرقه انصارالمهدی» منتسب به احمد اسماعیل و مدعیان دروغین حال و آینده می‌گردد.

#### فهرست منابع

- ۱- آل محسن، شیخ علی، الردالقاصم لدعوة المفتری علی الامام القائم، نجف، مرکز الدراسات التخصصه فی الامام مهدی (ع)، چاپ اول، ۱۴۳۴ ق
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، علی اکبر غفاری، قم، دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ش
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی حوزه علمیه ۱۴۰۳ ق
- ۴- ابن بابویه، علی بن حسین، الامامه والتبصره من الحیره، مدرسه امام مهدی، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۴ ق
- ۵- احمد الحسن، الجواب المنیر عبر الاثیر، الاصدارات الامام المهدی، چاپ اول، ۱۴۳۱ ق
- ۶- آیتی، نصرت الله، از تبار دجال، قم، موسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش
- ۷- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، موسسه آل البيت، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ق

- ۸- حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق أنوار اليقين في اسرار امير المومنين (ع)، علی عاشور، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۲ق
- ۹- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، چاپ چهارم ۱۳۶۹
- ۱۰- سلمان، شیخ احمد، الشهب الأحمديه علی مُدعی المهدویة (دعوة احمد الحسن فی المیزان)، چاپ اول، ۱۴۳۳ق
- ۱۱- سید بن طاوس، علی بن موسی، التشریف بالمنن، مؤسسه صاحب الزمان، قم، مؤسسه صاحب الزمان (عج)، ۱۴۱۶ق
- ۱۲- شیخ طوسی، نصیرالدین، الغیبه، عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق
- ۱۳- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران، اسلامیة
- ۱۴- فتیلاوی، مهدی، رایات الهدی والضلال فی عصر الظهور، بیروت، دار المحجة البيضاء، چاپ اول ۱۴۲۰ق
- ۱۵- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائح، مؤسسه امام مهدی (عج)، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ق
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق
- ۱۷- کورانی، شیخ علی، دجال البصره، ۱۴۳۳ق
- ۱۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جمع‌باز محققان، بیروت، دار احیاء العربی، چاپ دوم ۱۴۰۳ق.
- ۱۹- مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مؤسسه آل البيت، بیروت، (دارالمفید)، چاپ دوم ۱۴۱۴ق
- ۲۰- نعمانی، ابن ابی زینب، الغیبه للنعمانی، علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق
- ۲۱- بن حماد مروزی، نعیم، الفتن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق